

نوآوری و تجربه گرایی در تئاتر معاصر جهان

دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی

(۲)



«کنستانتین استانیسلاوسکی» (Constantin — Stanislavsky) بازیگر، کارگردان و نظریه پرداز روسی، در صحنه‌ای از نمایشنامه «طبیعت گرابانه» (ناتورالیستی) «در اعماق» اثر «ماکسیم گورکی» (1936 — Maxim — Gorky, 1868). بسیاری از جنبشهایی که «آوانگارد» (پیشازی گرایی) تلقی می‌شوند، در برابر «ناتورالیسم» و «رئالیسم» قرار گرفتند. از جمله «سورئالیسم»...

۱۷- تعریف «آوانگاردیسم» (پیشتازی گرایی)

«آوانگارد» (AVANT GARDE). اصطلاحی است به زبان فرانسه، که در زبان انگلیسی معادل (ADVANCE GARD) است و به معنای سرآهنگ یا پیشتاز «آوانگاریسم» (AVANT GARDISM) پس‌دیده‌ای و جنبشی است نو و «نامتعارف» (UNCONVENTIONAL) بویژه در گستره هنر. «آوانگارد» را گاهی «ونگارد» (VANGAVRD) هم می‌گویند، در این زمینه می‌توان به فرهنگهای زبان فرانسه و انگلیسی مراجعه کرد.

«آوانگارد» یا «ونگارد» اصطلاحی مربوط به سبهایگری نیز هست. به معنای بخشی از سپاه که از بدنه کل آن جلوتر در حرکت است؛ (طلایه). در زبان فارسی، پیشقراول، پیشتاز، و نیز خط‌شکن از جمله اصطلاحاتی است که در معنای اخیر به اصطلاح «آوانگارد» یا «ونگارد» نزدیک است؛ و نیز اصطلاحاتی چون طلایدار، جلودار، دیدمور، پیش‌آهنگ... (در این زمینه به لغتنامه علامه «علی‌اکبر دهخدا» و نیز فرهنگ استاد دکتر «محمد معین» مراجعه کنید.)

۱۸- معنای سیاسی اصطلاح پیشتازی گرایی

«آوانگارد» معنایی سیاسی نیز می‌دهد... و یادآور تشریحی به نام «آوانگارد» (VL'AVANT GARDE) که توسط «میخائیل باکونین» (MIKHAIL-BAKUNIN, 1814-1876) در پاریس به مدتی کوتاه منتشر می‌شد، است. «باکونین» نویسنده روسی از فعالین سیاسی بود و در کتابهای سیاسی، او را «آشوبگرایی» (انارشیزم= ANARCHIST) خوانده‌اند. وی از خانواده‌های اشرافی بر خاسته و در مدرسه نظامی «سن پیترزبورگ» (St. PETERSBURG) روسیه تحصیل کرده بود. به آلمان، فرانسه و سوئیس سفر کرد و علی‌رغم درخواست حکومت روسیه، به آن کشور مراجعت نکرد و به مخالفت با آن دست یازید. به همین دلیل دارای‌های او مصادره گردید. وی مدتی در پاریس به سر برد، در آنجا به انتشار نشریه «آوانگارد» پرداخت. وی به سبب سخنرانیهای تند و خشمگینانه‌اش در سالهای ۱۸۴۸ و ۱۸۴۹ در کشورهای گوناگون اروپایی به صف انقلابیون پیوست.

او در «اتریش» دستگیر و به مرگ محکوم شد، اما دولت اتریش وی را به مقامات امنیتی روسیه تحویل داد و آنها او را به «سیبری» تبعید کردند. در سال ۱۸۵۵ از «سیبری» گریخت و از راه «ژاپن» و «آمریکا» به اروپا بازگشت و از هواداران و همکاران «کارل مارکس» و «فردریش انگلس» گردید. اما از «اولین مجمع بین‌المللی» (FIRST INTERNATIONAL) «کمونیست»‌ها، به سبب داشتن افکار افراطی و مثنی مسلحانه، اخراج گردید.

وی خود جنبش «باکونینیسم» (BAKUNINISM) را، بویژه در کتابی به نام «خدا و دولت» (GOD AND THE STATE, 1882) عرضه کرد. نظریه‌های او در سالهای ۱۸۷۰ تا ۱۸۷۳ میلادی در «اسپانیا» هواداران زیادی یافتند. به طور خلاصه وی از امحای حکومت - به هر شکل - و نیز تاسیس «حقوق فردی نامحدود» (ULTRAN)

(DIVIDUALISTIC RIGHTS) دفاع می‌کرد. شک و تردید درباره اصالت و صحت هرگونه نظریه، عملکرد و پدیده اجتماعی وی را به «هیچ‌گرایی» (نییهیلیسم= NIHILISM) سوق داد... به هر حال، «باکونین» در دوره خود - به خوب یا به بد- شهره محافل روشنفکری اروپا گردید و نام نشریه و نیز خود و هواداران خود را، به مدتی کوتاه، و به کنایه: «آوانگارد» نامیده بود. به همین دلیل این اصطلاح صیغهای سیاسی نیز یافت، که اگرچه تجانس چندانی با معنای هنری آن ندارد، اما می‌توان گفت که در «غیرمتعارف» بودن و ستیزه با عرف و موازین مالوف و قدیمی، با نظریه‌های پیشتازی گرایی در هنر، شباهت هم دارد. به طوری که هنگام کاربرد این اصطلاح در زمینه هنر، مناسبت دارد که معنای سیاسی آن نیز به خاطر خطور کند و به یاد بماند که این اصطلاح دیگر رنگ و بوی آن رویداد تاریخ گذشته را در خود ندارد. اگرچه در پایان سده نوزدهم میلادی، برای مدتی کوتاه اصطلاح «آوانگاردیسم» (پیشتازی گرایی) کم و بیش یاد «باکونین» و نیز گرایش سیاسی را هم به ذهن متبادر می‌کرده است، اما به زودی این اصطلاح از نظر سیاسی کم‌رنگ و بی‌اهمیت گردیده است و یا آنکه معنای هنری آن، قویا و وسیعا سایر معنای آن را - و نیز معنای سپاهیگری آن را به‌خصوص برای هنرمندان، به‌خصوص برای هنرمندان تئاتر- مستور و محو کرده است.

تعریف پیشتازی گرایی در فرهنگهای ادبی و ادبی-نمایشی

برای آنکه معنای این اصطلاح بیشتر و بهتر بررسی و نقد گردد، من به دو فرهنگ مهم و معتبر ادبی - نمایشی مراجعه کرده‌ام.

«هری‌شا» به صورتی مختصر این اصطلاح را تعریف کرده است و «گودن» با تفصیل بیشتری. «هری‌شا»، (HARRY SHAW) درباره «آوانگارد» یا «پیشتازی گرایی» می‌نویسد (صفحه ۴۰): «اصطلاحی است به بیان فرانسه، معنای لغوی آن «طلایدار» - FORE GUARD است. هنگامی که این اصطلاح در مقوله ادبیات به کار رود، نمایشگر «نوآوری» (SUBJECT INNOVATIONS) در «درنومایه» (MATTER) و یا «سبک» (STYLE) است، بویژه هنگامی که این دو امر به صورت «تجربی» (EXPERIMENTAL) به کار رفته باشند. «آوانگارد» به صورت اسم، به معنای گروه مقدم و پیشرو - ADVANCE-GROUP در هر زمینه است، بویژه در ادبیات، هنرهای تجسمی و موسیقایی. آوانگارد به آثاری اطلاق می‌شود که با روشهای نامرسوم و نامتداول - UNORTHODOX - آفریده شده باشند.

«جسی‌ای. کودن» (J.A. CUDON) اصطلاح «آوانگارد» (AVANT-GARDE) را اینگونه تعریف کرده است (صفحه ۶۷ و ۶۸): (اصطلاحی مهم که در تاریخ هنر بسیار به کار رفته است. روشن است که این اصطلاح منشا نظامی داشته، اما «آوانگارد» در زمینه هنر و ادبیات نشانگر جستجو و پی‌گردی - EXPLORATION - نوآوری - INNOVATION - و ابتکار است که پدیده‌های نو ظهور و جلوتر از زمان اطلاق می‌شود.

در سال ۱۸۴۵، گابریل - زیره لاوردان - (GABRIEL DESIRE. LAVERDANT) اثری انتشار داد به نام «درباره رسالت هنر و نقش هنرمندان» -



۱۹- نگاهی به دوره پیدایش پیشتازی گرای

دهه ۱۸۷۰، آغاز و رونق کار «طبیعت‌گرایان» (ناتورالیست‌ها NATURALISTS) و «واقعیت‌گرایان» (رئالیست‌ها REALISTS) در هنر نمایش اروپاست. به همین لحاظ این دهه را، که در آن «تئاتر نوگرای» (MODERN THEATRE) پدیدار شده است، نقطه پیوست به آینده، و نقطه گسست با گذشته هنر نمایش، تلقی می‌کنند. در این دوره عمدتاً دو جریان کلی یافت می‌شود:

۱- تئاتری که با ضوابط «طبیعت‌گرایی» و «واقعیت‌گرایی» فعالیت می‌کند، و بقیه سبک‌ها را مردود می‌شناسد.

۲- و تئاترهایی که «طبیعت‌گرایی» و «واقعیت‌گرایی» را نمی‌پذیرد، و در برابر آن اشکال جدید تئاتری را عرضه می‌کنند.

بنابر این در جریان تحولی هنر، پیوسته نوآوری و بدعت و بدیع‌پردازی وجود داشته است و خواهد داشت. انسان موجودی است در حال تحول و تکامل، و همه آثار مادی و معنوی او - بویژه هنر - همراه او متحول می‌شود و احتمالاً در مجموع تکامل می‌یابند. - (یادمان نرود که «طبیعت‌گرایان» اولیه نیز در زمان خود: «آوانگارد» خوانده می‌شدند!)

از دهه ۱۹۷۰، ضربانگ تحول، سریع گردیده و

صحنای از اجرای نمایشنامه «چه روزهای خوشی» اثر «ساموئل بکت» نمایشنامه نویسن ایرلندی، مقیم فرانسه. آثار بکت - که برخی آنها را در شمار تئاتر عبث‌نمائی (ABSURDIST) آوردند در «درونمایه» و «ریخت» شاخصند، و مخصوص خود او.

در آخرین چهار دهه سده نوزدهم، این اصطلاح، هم در زمینه فرهنگی و هم در زمینه سیاسی، ظاهر گردید و به تدریج معنای فرهنگی - هنری آن جایگزین معنای اجتماعی - سیاسی آن شد. برای مدتی، اشاره به هنر و ادبیات آوانگارد، کاری عادی و جاری بود. در زمان حاضر، ما اینگونه عادت کرده‌ایم، که از شاعران نمادگرای سمبولیست - SYMBOLIST - چون «پل ورلن» - PAUL VERLAINE 1844-1896 - «آرتور رامبو» - ARTHUR RIMBAUD, 1854-1871 - «استفن مالارمه» - STEPHANE MALLARME, 1842-1898 به عنوان نخستین گروه از هنرمندان «آوانگارد» یاد کنیم. به همین ترتیب از نمایشنامه‌نویسان «نمایش عبث‌نما» - THEATER OF ABSURD و نیز از داستان‌نویسانی چون «آلن رب گریه» - ALIN ROBB GRILLET - «میشل بوتور» - MICHEL BOUTOR - «ناتالی ساروت» - NATHALIE SARRAUTE به عنوان «آوانگارد».

DE LAMISSTON L'ART ET DU ROLE DES ARTISTS. که ضمن آن نوشت: «هنر، توصیف و تفسیر جامعه است، و نمودار سازنده بالاترین پروازها و پیشرفته‌ترین گرایشها.

هنر، پیشتاز است و آشکار ساز. بنابر این، برای آنکه دریابیم هنر به راستی توانسته است به رسالت خاص خود به عنوان مبتکر و آغازگر - INITIATOR - جامعه عمل ببوشاند و آیا هنرمند به راستی پیشتازی‌گرا است، باید به درستی دریابیم که انسانیت - HUMANITY - در حال حرکت است و سرنوشت نوع انسان چیست...»

در سال ۱۸۷۸ «باکونین» برای مدتی کوتاه به انتشار نشریه‌ای تبلیغی - تهییجی دست یازید که نام آن: «آوانگارد» - L'AVANT GARDE بود.

حتی در این زمان هم، به ندرت این اصطلاح به تنهایی در مورد هنر و ادبیات به کار می‌رفت. «شارل بودلر» - CHARLES BAUDLAIRE 1821-1867 - شاعر فرانسوی، با بی‌اعتنایی با این اصطلاح برخورد می‌کند. و در یادداشت‌های شخصی خود از آن به «نوشته‌های آوانگارد» و یا در جای دیگر از آن به عنوان نشریات «منازعه‌جو» - MILITANTE - و یا «ادبیات منازعه‌جو» یاد کرده است، او با کاربرد این اصطلاح، به نویسندگان «خواستار دگرگونی‌های بنیادی» - رادیکال - RADICAL و نویسندگان سیاسی چپ‌گرای - POLITICAL LEFT اشاره داشته است.

میزان تطور و تنوع هنری، بویژه هنر نمایش، فراوان شده است. به طوری که «اسکارجی برآکت» (OSCAR-G. BROCKETT) و «رابرت آر. فیندلای» (ROBERT R. FINDLAY) این سده پنی از ۱۸۷۰ را «سده نوآوری و بدیع‌پردازی» (CENTURY OF INNOVATION) نامیدند. در چنین زمینهای می‌توان اصطلاح «پیشتازی‌گرایی» (ADVANCE GUARDISM یا AVANT GARDISM) را مطرح ساخت.

اصطلاحی که به قول «جسی. ای. کدون» (J.A. CUDON) مهم است و در تاریخ هنر و ادبیات بسیار به کار رفته و در این نوشته من کوشیدم تا این اصطلاح را که در واقع بسیار هم کلی است معنی کنم و تجلی آن را در دبستانها و جنبشهای هنری جدید (داداییسم، فوتوریسم، سوررئالیسم) مورد بررسی قرار دهم و زمینهای تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و فلسفی و هنری پیدایش آن را نمودار سازم.

۲۰- زمینهای سیاسی‌گرایش به «نوآوری‌گرایی»، «تجربه‌گرایی» و «پیشتازی‌گرایی»

سده نوزدهم میلادی شاهد تکاپوها، کشمکشها و دگرگونیهای وسیع سیاسی، اجتماعی، نظامی و اقتصادی

آن زمینها، و عوامل و شرایط بودند. در اینجا من خواهم کوشید به شماری از زمینها، عوامل و شرایط سیاسی، و اجتماعی و نظامی این گرایشها و کششها اشاره کنم: در دوره پیش از جنگ جهانی اول، «استعمار جدید» (NEW-IMPERIALISM) قد کشید. جستجوی بازار برای مصنوعات صنعتی، و جستجوی مواد خام، و جستجوی بازار برای سرمایه‌گذاری مالی تشدید و تسریع گردید.

فعالیتهای میسیونهای مسیحی- که در بسیاری از موارد، به عنوان پیشقراولان استعمار عمل کرده‌اند، عقیده به برتری نژاد سفید بر سایر نژادها، ملاحظات سوق‌الجیشی و نظامیگرانه، سبب رقابتهای خونین و مرگبار میان قدرتهای اروپایی گردید و ملت‌های تحت ستم را، بیش از پیش به محنت و مشقت و غارت شدگی، درآفکند.

در این احوال روسیه که دوران آشوب و دگرگونی را طی می‌کند، «مارکسیسم» (MARXISM) یا «تزاریسیم» (TSARISM) در کشمکش و جنگ گریز قرار دارد. طبقه کارگر، کشاورز، زیر نفوذ روشنفکران قرار گرفته بودند.

«تزاریسیم» و «مارکسیسم» (دست‌ها، گروه‌ها و محافل مارکسیستی) نیز، در درون خود کشمکش داشتند. سرانجام انقلابی ناکام روی داد، که به انقلاب ۱۹۰۵ موموم است. «تزاریسیمها» به گروه‌های متعدد و از جمله

بیشتری کسب کرد. و «اتوفون بیسمارک» (OTTO VON BISMARCK) 1815-1898 به عنوان نخستین صدراعظم «امپراطوری»، برگزیده شد. وی همان کسی بود که در سال ۱۸۶۲ اعلام کرده بود «مسئله آلمان بایستی با «خون» و «آهن» حل شود». آمریکای شمالی که در سال ۱۸۲۳ «دکترین مونرو» (MONROE DOCTRINE OF 1823) مبنی بر نظریه «جیمز مونرو» (JAMES MONROE) 1785-1831 پنجمین رئیس جمهور آمریکا را پذیرفته بود. این «دکترین» از سوی آمریکا را از دخالت در امور سیاسی خارج از آمریکا منع کرد، و از سوی خواهان پایان استعمار اروپایی‌ها در قاره آمریکا گردید. اما به تدریج قدرت آمریکا- اقتصاد و نظامیگری آن- رو به گسترش بود. به نحوی که در جنگ اول جهانی، در ربع اول قرن بیستم، «جروالد کولاند» (GERALD-KURLAND) گفته سیاستمداران آمریکایی در نیمکره غرب، حکم قانون را پیدا کرده بود.

در انگلستان، در دوره نخست وزیری «بنیامین دیزراییلی» (BENJAMIN DISRAELI) 1804-1881 قوانین متعددی به سود طبقه کارگر تصویب گردید. «انجمن فابین»ها، (FABIAN SOCIETY) که معتقد به «جامعه‌گرایی»=سوسیالیسم تدریجی و تکاملی» (EVOLUTIONARY SOCIALISM) بودند در سال ۱۸۸۳ تاسیس گردید و روشنفکران آن، به تاسیس احزاب و دستجات سیاسی با حمایت از اقتدار کارگری دست یازیدند. و در مقابل آنها و لیبرال‌ها، حزب «محافظة‌کاران» (CONSERVATIVES) موضع‌گیری کردند. اما در مجموع، زمامداران انگلیس کوشیدند، جامعه خود را به سوی آنچه اصطلاحاً «دولت رفاه‌بخش» (WELFARE STATE) خوانده می‌شود، رهنمون گردند.

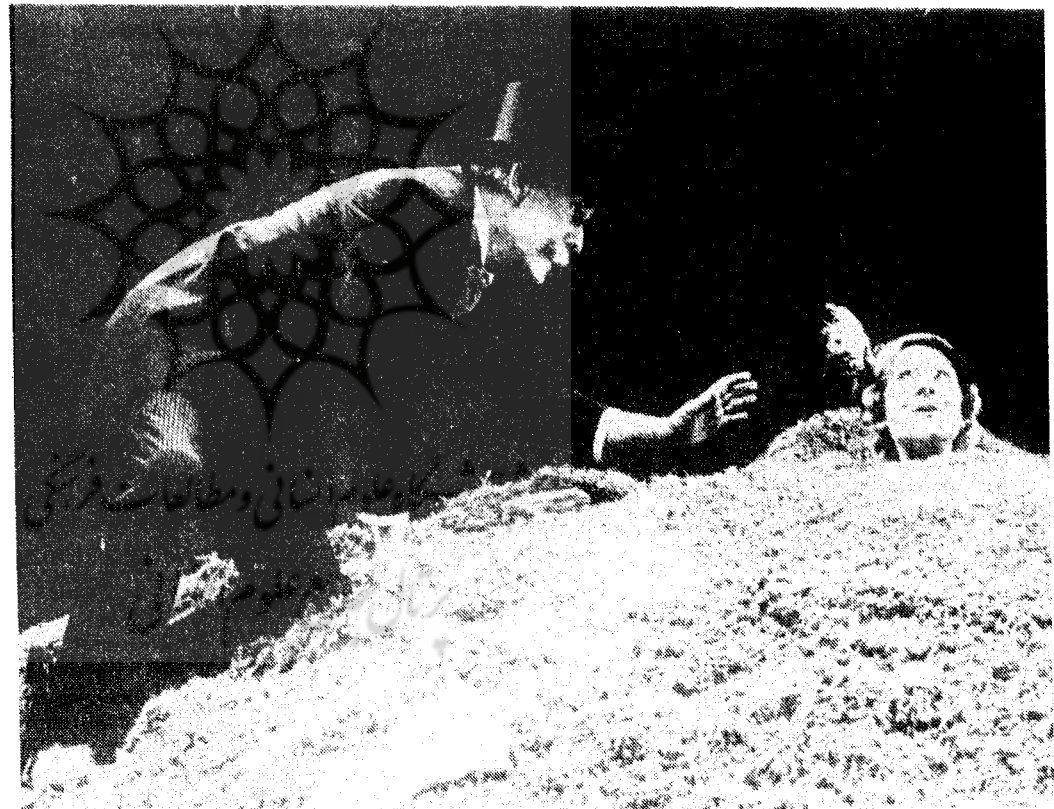
۲۱- انقلابهای ۱۹۴۸

«انقلابهای ۱۹۴۸» (THE-REVOLUTIONS OF 1948) در تاریخ اروپا بسیار مشهورند. در این سال در فرانسه، ایالات مختلف آلمان و اتریش و ایتالیا، انقلابهای متعددی روی داد (انگلستان و روسیه از این انقلابها برکنار ماندند).

اگرچه این انقلابها، جملگی با شکست روبرو شدند، اما طبقات جدیدی را نشان دادند- بویژه کارگران صنعتی- که خواستار مشارکت سیاسی و کسب قدرت بودند. و نیز از تمایل مردم اروپای شرقی برای کسب وحدت ملی، خبر دادند. در فرانسه، کشوری که انقلاب کبیر ۱۷۸۹ در آنجا روی داده بود، «ناپلئون سوم» (NAPOLEON III) تشکیل «جمهوری دوم» را داده بود. و در فاصله سالهای ۱۸۶۰ تا ۱۸۷۰ میلادی، حکومتی به وجود آمده بود که مورخین آن را «امپراتوری لیبرال» (THE LIBERAL EMPIRE) خوانده‌اند. این کشور در سال ۱۸۷۰ در جنگ با «پروس» (PRUSS) شکست خورد. ناپلئون سوم سقوط کرد و تاسیس «جمهوری سوم» (THRD REPUBLIC) اعلام گردید. سالهای ۱۸۷۱ تا ۱۹۱۴ میلادی را دوران بی‌ثباتی در فرانسه خوانده‌اند... زیرا در این دوره، حدود پنجاه حکومت مختلف در بخشهای مختلف این کشور، به قدرت رسیده بودند، و یا آن را از دست داده بودند، و احزاب و دستجات سیاسی، هر کدام بر بخشی از مجلس و ارگانهای حکومتی مسلط بودند. اما با اینهمه، اصلاحات سیاسی و اجتماعی فراوان انجام گرفت و در اوائل سده بیستم میلادی، گونهای رفاه و تامین اجتماعی برای بخش مهمی از جمعیت این کشور، فراهم آمد.

۲۲- جنگ اول جهانی

رقابت میان دولت‌های اروپایی برای تصرف زمین، مواد خام بازار فروش، و نیز استیلا بر همدیگر، سرانجام به یکی از دو جنگ چندملیتی- که به بسیاری از نقاط جهان سرایت کرده است، منجر گردید.



صحنای از نمایشنامه «طبیعت‌گرایانه» (Naruralistic) «یافندگان»، اثر «گه‌هات هاپتمان» (Gerhart Hauptman, 1862 — 1946) «طبیعت‌گرایی» و «واقعیست‌گرایی» (Realism) در سده نوزدهم به سبب شرایط خاص تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری آن زمان، و به ویژه در چالش با دبستان «رومانتیسم» (نگاره‌گرایی) پدیدار شد. اما به تدریج، جریانها و جنبشهای دیگری در برابر آن، و در واکنش نسبت به آن، قد برافراشتند.

به سنت‌گرایان و «نوربخت‌گرایان» (REFORMIST) تقسیم شدند، و مارکسیست‌ها نیز به گروه‌های گوناگون، و از جمله به «بولشویک» (BOLSHEVIKS) و «منشویک» (MENSHEVIKS). «ولادیسیمیر لنین» (VLADIMIR LENIN, 1870-1924) طرفداران خود را «اکثرتی» یا «بولشویک»، و مخالفان خود را «اقلیت» («منشویک») نامیده بود. در سال ۱۹۱۲ این دو گروه مارکسیستی، رسماً بر انشعاب خود صحنه گذاشتند. سال ۱۸۷۱ «امپراطوری آلمان» (GERMAN EMPIRE) اعلام وجود کرد و «رایشتاگ» (REICHTAG) مجلس، در همین دهه به خاطر حمایت «طبقه متوسط صنعتکار» (INDUSTRIAL MIDDLECLASS) از آن، قدرت

در اروپا بود. پدیده‌های اجتماعی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و هنری تازه‌ای نمودار شده بودند که مجموع آنها زیربافت پیدایش گرایشها و کششهای نیرومند و گسترده به «تجربه‌گرایی» گردیده بودند. به طوری که شاید بتوان گفت بخش اعظم و مهم پیشتازگری، نتیجه

جنگ اول جهانی که از سال ۱۹۱۴ آغاز، و تا ۱۹۱۸ ادامه یافت. در این جنگ «قدرت‌های محوری» (CENTRAL POWERS) شامل «اتریش-مجارستان»، «آلمان»، «بلغارستان»، «ترکیه» در برابر «متحدين» (ALLIES) شامل، «آمریکا»، «انگلستان»، «فرانسه»، «روسیه»، «بلژیک»، «سربیا»، «یونان»، «رومانی»، «مونته‌نگرو»، «پرتغال»، «ایتالیا»، «ژاپن» به مصاف هم برخاستند، و جنگ با ده میلیون کشته، و بیست میلیون زخمی به پایان رسید. و سهم فرانسه از این رقم طبق آمار مندرج در THE 1990 ALMANAC، (کشته، مجروح، مفقود و زندانی: طبق آمار رسمی) به ۸۰۰/۱۶۰/۶ نفر بالغ گردید. سهم آلمان ۵۵۸/۱۴۲/۷ و سهم روسیه ۰۰۰/۱۵۰/۹، سهم آمریکا ۳۲۰/۰۰۰/۰، سهم ایتالیا ۲/۱۹۷/۰۰۰، سهم بلژیک ۹۳/۰۶۱، سهم امپراتوری اتریش-مجارستان ۷/۰۲۰/۰۰۰ نفر بود. سرانجام آلمان که تقریباً تمام متحدين خود را از دست داده بود، طرح موسوم به «چهارده ماده وودرو ویلسون» (WOOD ROW WILSON'S FOURTEEN POINTS OF JANVARY 1918)

پیشنهادی ویلسون رئیس جمهور وقت آمریکا را پذیرفت، و بدین ترتیب جنگ پایان پذیرفت. اما پایان جنگ اول، آغاز دورهای به نام «صلح مسلح» (ARMED PEACE) است که طی آن، کشورهای اروپا و نیز آمریکا، خود را برای دومین جنگ جهانی آماده ساختند.

۲۳- زمینه‌ها، شرایط و عوامل اقتصادی

در پایان سده نوزدهم، و نیمه اول قرن بیستم، تحولات کمی و کیفی فراوانی در جامعه اروپا، پدیدار گردیده است که متفکران اجتماعی و سیاسی آنها را در هشت مقوله مورد بررسی قرار داده‌اند.

۵- رشد جمعیت شهرنشین، و گسترش شهرها.
۶- بهتر شدن شرایط اقتصادی توده‌ها و افزایش نسبی سطح زندگی و رفاه آن.
۷- پیوند علم با صنعت.

۸- تحولات «فن‌سالارانه» (تکنولوژیکی) نیز یکی از شاخصه‌های سده اخیر است. «انقلاب تکنولوژیکی» که حاصل «انقلاب عقلمانی» (INTELLECTUAL REVOLUTION) است، حدود سالهای ۱۸۷۰ با گرفته است. اقتصاد مبتنی بر تکنولوژی، خود رویدادی بسیار مهم است که چهره انسان و زندگی و سرنوشت و محیط زیست او را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. این مجموعه شرایط، زمینه را برای رشد حرکت‌های فرهنگی و هنری، و تنوع آنها و گرایش به تجربه و یافتن ریخت‌های نو- درون‌نمایه- فراهم ساخته است. زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاست و فرهنگ، روح هنرمندان زمان را ناآرام ساخته و آنها را به تکاپوی ذهنی و حتی شک و وسواس‌های ویرانگر و بی‌حاصل سوق داده است. جریان پیشتازی گری-حواوی هر دو نوع حرکت، (مثبت و منفی) می‌باشد.

۲۴- پیدایش نظریه‌های اقتصادی - سیاسی و علمی

از نظر فرهنگی، فلسفی و علمی هم، دوره مورد بررسی و نقد این مقاله، شاهد تحولات و پیدایش افکار و نظریه‌های جدید و بی‌سابقه‌ای گردید. این افکار و نظریه‌ها، نه فقط بخش مهمی از فلسفه سیاسی-اقتصادی و علوم روانی-اجتماعی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم را به وجود آورده بود، بلکه آن نظریه‌ها و افکار، به نوبه خود زیر بافت و زمینه پیدایش جریان‌های، جنبش‌ها و دبستان‌های ادبی-نمایشی گردیده بودند. در محدود سده‌ها اخیر،

نظریه‌ها و عملکردهای نوگرایی و دیگر خواه و مخالف در تکاپو قرار می‌گیرند، (آنتی‌تزی = ANTI THESIS). هنگامی که جنبه‌های ستیزه‌گرانه و تنشنش‌دار این دو وضع، بهم می‌رسند،

و باهم درمی‌آمیزند، و به هم شکل می‌دهند، «ترکیبی» (سنتز = SYNTHESIS) را به وجود می‌آورند. که حاصل ضرب آنهاست. که البته هر «سنتزی» به زعم دیالکتیک هگلی، بار دیگر «آنتی تزی» خود را می‌پروراند، و... (در این باره به کتاب علوم اجتماعی و سیر تکوینی آن، به قلم دکتر احسان نراقی و مراجعه کنید). هنگامی که کارل مارکس «دیالکتیک هگلی» را با تغییرات مادی‌گرایانه‌ای که در آن داده بود بر تاریخ جامعه‌های انسانی تطابق داد، چنین نتیجه گرفته است که «تزی»، «آنتی تزی» و «سنتز» در جامعه و تاریخ نیز کاربرد دارد. مثلاً «طبقه کارگر» را می‌توان «تزی» شمرد، طبقه سرمایه‌دار را «آنتی تزی» و حاصل جمع این تضاد را «سنتز»-البته باید یادآوری کنم که در این مختصر بیشتر از این جایی برای بررسی این نظریه نیست، و علاقمندان باید به کتاب‌های مربوط به آن مراجعه کنند.

۲۶- «منزاعه طبقاتی»

در اندیشه مارکسیستی منازعه طبقاتی در هر دورهای (تا تحقق جامعه مایارکسیستی) پیوسته وجود دارد. «برده‌داری»، «زمینداری» و «سرمایه‌داری» و به ترتیب «برندگان و برده داران»، «بزرگان و زمینداران» و «کارگران و سرمایه داران» در این نظامها، در حال منازعه‌اند تا اینکه سرانجام جامعه مارکسیستی بدون طبقه به وجود خواهد آمد. به طوری که ملاحظه شود، این دبستان اقتصادی-سیاسی در هنگام شکل گیری حمایتگر و منادی تحول اجتماعی، و... هنری و نوآوری، و چالش و ستیز بوده است، اما به محض پیروزی؟

۲۷- نظریه‌های «چارلز داروین»

عقاید «چارلز داروین» (CHARLES DARWIN, 1809-1882) نیز در اواخر قرن نوزدهم و ربع اول قرن بیستم، جاذبه‌های فراوانی داشته است و توجهات فراوانی را برانگیخته است. «داروین» بر خلاف مذهبی‌های مسیحی، برای انسان سرچشمه‌های حیوانی قایل است و او را تکامل یافته موجود حیوانی می‌انگارد. به زعم «داروین»، همه گیاهان، و انواع حیوانی، از نوع ابتدایی و ساده‌تری به وجود آمده‌اند. «تکامل انواع»، هنگام «جهش و دگرگونی» (MUTATION)، و توسط نوارث و «شایستگی بهتر» (ADAPTABILITY) انجام می‌پذیرد. و در این جریان «منزاعه برای بقا» (STRUGGLE FOR EXISTENCE) میان انواع (SPECIES) ادامه دارد، که نهایتاً «مناسب‌ترین»-انطباق- و قوی‌ترین پیروز می‌شود، و ضعیف محو: (THE SURVIVAL OF THE FITTEST) به این می‌گویند «انتخاب اصلح» و «انتخاب طبیعی» (NATURAL SELECTION) «داروین» نیز به سهم خود، عینک تحولی بر چشم مردم زمان خود می‌گذارد و نهاد تحول طلب جهان را به رخ روشنفکران می‌کشد...

در پایان سده نوزدهم و اوایل قرن بیستم، علوم طبیعی و پزشکی نیز رشد چشمگیری یافتند. برای نمونه می‌توان از «جرج مندل» (GEORGE MENDEL, 1822-1884) و جدول معروف ژنتیکی او، یاد کرد. و نیز از «رابرت کوخ» (ROBERT KOCH, 1843-1910) به خاطر نوآوری‌های او در زمینه مبارزه با «باکتریهای بیماری زای» و شیوه‌ها و کاربرد جراحی با استفاده از موادی چون «اتر» (ETHER) و «کلوروفورم» (CHLOROFORM)، و نیز طریق میکرب زدایی، و...

گسترش علوم طبیعی بر تمام نوآوران آن دوره، بویژه بر طبیعت‌گرایان در هنر نمایش، تاثیر فراوانی گذاشت. «طبیعت‌گرایان» و «واقعیت‌گرایان» در هنر نمایش، به زعم خود از شیوه‌ها و روش‌های علوم طبیعی متأثر بودند.



عکسی از اجرای نمایشنامه «قدرت ظلمت» اثر لئون تولستوی (LEOTOLSTOY 1828-1910) نویسنده بزرگ و «واقعیت‌گرای» روسی. «باز آفرینی واقعیتها» هدف اصلی واقعیت‌گرایان است.

۲۵- پیدایش مارکس و مارکسیسم

در اواخر سده نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی «مارکسیسم» مسایل نظری نوی را طرح کرده بود: تفکر دیالکتیک هگلی (HEGELIAN DIALECTIC) پدیدار شده بود که شاید به ساده‌ترین و فشرده‌ترین وجه، بتوان آن را چنین توصیف کرد: هر دورانی نظریه‌ها و عملکردهای خود را دارد (تزی = THESIS). در برابر آن

۱- انرژی، و پیدایش مواد و منشاهای جدید آن.
۲- کاهش یافتن هزینه تولید به سبب شیوه‌های «تولید انبوه» (MASSPRODUCTION) و در نتیجه، کاهش نسبی قیمت کالاها.
۳- پیدایش «بازارهای بزرگ و توسعه‌گیر» (MASS MARKETS) برای عرضه و مبادله کالاها.
۴- پیدایش شرکت‌های بزرگ تجاری-اقتصادی (کorporاسیون‌ها = CORPORATIONS) تراستها و کارتل‌ها و...

یکی دیگر از ویژگی‌های پایان سده نوزدهم و آغاز سده بیستم، نظریه‌های «زیگموند فروید» (SIGMUND FREUD, 1856 — 1939) است، که آن را به لحاظ اهمیتش «انقلاب فرویدی» نام نهاد. «فروید» در پژوهش خود به این نتیجه رسید که بسیاری از رفتارهای انسانی، به انگیزه انتخاب عقلانی صورت نمی‌گیرند، بلکه در اثر «آرزوها و سوابق ناخودآگاه» (SUBCONSCIOUS DESIRES) بسیاری از سرخوردگیها، افسردگیها، عقده‌ها و روان‌پریشی‌های انسان نتیجه دوران کودکی است و نیز ناکامیها و سرخوردگیهای جنسی، علاوه بر این، «فسروید» نظریه پرداز قلمروی نامکشوف «ناخودآگاه انسانی» است که محرک و انگیزه مهمی در بسیاری از رفتارهای او، به شمار می‌رود: «انگیزه مخفی»، «عشق جنسی» (LIBIDO)، «انگیزه‌های روانی خودآگاه و ناخودآگاه»، «سرخوردگیها»، «عقده‌ها»، «افسردگیها» و از همه مهمتر توجه به رویا، کابوس، معانی و کار ویزه‌های آنها، مکانیسم روانی و... شماری از اصطلاحات و فرضیات «فروید» به صورت یکی از خزاین روشنفکری و هنری این دوره جلوه گر شده است. بسیاری از دبستانهای هنری، هر کدام با حساسیت‌ها و طرز تلقیها و موضع‌گیریهای خود، از آبشخور نظریه‌های «فروید» مایه برداشتند.

از خصیصه‌های دیگر نیمه دوم قرن بیستم، پیدایش و گسترش «علوم اجتماعی» (SOCIAL SCIENCES) بود. در این دوره است که آثار جامعه‌شناسانی چون «اگوست کنت» (1798 — AUGUSTE-CONTE) (1857)، «امیل دورکهایم» (EMILE DURKHEIM, 1858 — 1917) «لسئوپلدون رانگ» (LEOPOLD VON-RANKE, 1795 — 1886) و نظایر آنها، مطرح گردیده‌اند. «کنت» اصولاً واضع اصطلاح «جامعه‌شناسی» (SOCIOLOGY) است، و نظریه پردازان علوم اجتماعی این دوره معتقدند که «پدیده‌های اجتماعی» نیز، کم و بیش مانند پدیده‌های علوم طبیعی، از گونه‌ای جبر علمی (SCIENTIFIC DETERMINISM) تبعیت می‌کنند. حوادث اجتماعی را می‌توان قانونمند ساخت، و نیز تطور و تکامل اجتماعی دارای قوانینی کلی است که جستجوی آنها، کار دانشمندان علوم اجتماعی است.

وانگهی، به کمک علم به پدیده‌های اجتماعی، مانند علم به پدیده‌های طبیعی می‌توان ناهنجاریها، زشتیها، بدیها و آسیبهای اجتماعی را شناخت و از بروز آن جلوگیری کرد. علوم اجتماعی نیز مانند سایر علوم، می‌توانند در خدمت شناخت و بهتر کردن شرایط و موقعیت انسانی قرار گیرند.

نظریه‌ها و آرمانهای اجتماعی، سیاسی، روانی و علمی به

نمایشی بانفوذ و پر دامنه بود و رواج فراوانی داشت. «طبیعت‌گرایی» به علوم «طبیعی» و پیشرفتهای چشمگیر آن نظر داشت، و همچنین بر آن سربود که تحولات و تظاهرات اجتماعی و علمی را به نحوی در هنر نمایش منعکس سازد. نظریه پرداز بزرگ «ناتورالیسم» ادیب و روشنفکر و داستان‌نویس فرانسوی «امیل زولا» (EMILE-ZOLA, 1840- 1902) بود که یکی از داستانهای خود به نام «تزرراکن» (THERES RAQUIN, 1873) را، به صورت نمایشنامه بازنویسی کرده بود. «زولا» بر این باور بود که «روشهای علمی» علوم طبیعی- را می‌توان در ادبیات نیز به کار برد. و به این ترتیب «حقیقت» (TRUTH) را نمودار ساخت. به زعم او دو محیط عمده هر جانداری، و از جمله انسان، عبارتند از: محیط جسمانی و بیولوژیکی که از طریق «وراثت» (HEREDITY) به موجود زنده منتقل می‌گردد. و دوم «محیط بیرونی و اجتماعی» (ENVIRONMENT) که عبارت است از مثلاً: نظام اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی... بنابراین- به نظر «زولا»، هنر و ادبیات نیز، مانند علوم طبیعی، باید قوانین و ضرورتها و جبریات اجتنابناپذیر «توارث» و «محیط» را بفرود، گروه و جامعه، مشخص سازد. «زولا» از هنرمند می‌خواست، که با نهایت بی‌طرفی- مانند دانشمندی که پدیده‌های طبیعی را کندوکاو و توصیف می‌کند- به مشاهده و توصیف «واقعیتها» (REALITIES) دست یازد. و به خاطر داشته باشد که «جبر و ضرورتهای محیطی» (ENVIRONMENTAL DETERMINISM) اصل علمی و ادبی مهمی است که بدون پذیرفتن و کاربرد آن، هنرمند نمی‌تواند به «حقیقتها» راه پیدا کند و آنها را نمودار سازد.

«طبیعت‌گرایی» مانند علوم طبیعی به گونه‌ای «آسیبشناسی» (PATHOLOGY) نیز مربوط می‌شد. هنرمندان «طبیعت‌گرایی» (NATURALIST) می‌کوشیدند تا «بافتها و پدیده‌های- آسیب‌دیده را» بشناسند و بشناسانند. به همین دلیل شخصیتهای فرودست و محروم و شکست خورده و نیز مواقع و اوضاع نامنجان را، مضمون و درونمایه خلاقیت هنری خود تلقی کردند. محرومان، واکسوردگان، معتادان، روسپیان، بی‌توانان، دزدان و... و اوضاع شرایط آنها، در ادبیات نمایشی «طبیعت‌گرایان» جلوه و انعکاس وسیع و عمیقی داشته است.

«واقعیت‌گرایی» (رئالیسم = REALISM) نیز از دبستانهای مشابه «ناتورالیسم» است. و می‌کوشد تا مضامین خود را به همان شکل که «واقعا» هستند نمودار سازند. بازسازی و بازنمایی شخصیتها و شرایط آنها، درست به همان صورت که وجود دارند، یا «عینیت‌گرایی» (اوبژکتیویسم = OBJECTIVISM) و به دور از «ذهنیت‌گرایی» (سوبژکتیویسم = SUBJECTIVISM) هدف اصلی «واقعیت‌گرایان» است.

در هنر نمایش، می‌توان از «هنریک ایبسن» (HENRIK IBSEN, 1828 — 1906) به عنوان «واقعیت‌گرایی» سخن گفت.

«واقعیت‌گرایان» معمولاً از احساسات پردازای دوری می‌کنند، تخیل را به بازسازی «واقعیت عینی» OBJECTIVE REALITIES محدود می‌سازند، به نمودار سازی مسایل خانوادگی و اجتماعی تمایل فراوانی دارند. «واقعیت‌گرایی» در زمان ما نیز دبستانی هنری- ادبی است، مطرح، پرتکاپو، و پر طرفدار، به اشکال گوناگون در آمده است، اما همچنان پراهمیت تلقی می‌شود. «واقعیت‌گرایان» برخلاف «طبیعت‌گرایان» دارای ارزشها و آرمانهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... ویژه‌ای را در آثار خود منعکس می‌سازند. آنها دید خود را به بررسی پدیده‌های بدو آسیب دیده، و تاکید بر نقاط ضعف شخصیتها و ناهنجاری انسان محدود نمی‌کنند. و نیز به بدبینی و جبرگرایی ناتورالیستها، اعتقاد دارند. همانطور که متذکر گردیدیم، «طبیعت‌گرایان» و «واقعیت‌گرایان» در دوره خود، «تجربه‌گرایی» نوآوری



تصویر صحنه‌ای از نمایشنامه «فاوست» (Faust) اثر «گوسته» (Goethe, 1749 — 1832) شاعر و نمایشنامه‌نویس آلمانی. «فاوست» یکی از ابرکارهای دبستان «رومانیسم» (انگاره‌گرایی) شمرده می‌شود. دبستان «انگاره‌گرایی» مورد انتقاد تهاجم «طبیعت‌گرایان» و «واقعیت‌گرایان» قرار گرفت. در نیمه دوم قرن نوزدهم، به تدریج از تداول و اعتبار آن کاسته شد.

پیدایش دو دبستان بزرگ- که گاهی آن دو را یکی می‌شمرند- منجر گردید: «طبیعت‌گرایی» و «واقعیت‌گرایی». این دو دبستان- یا یک دبستان- در زمان خود «تجربه‌گرایی»، «نوآوری‌گرایی» و «پیشتازی‌گرایی» تلقی می‌شدند. جالب اینجاست که جریانهای ادبی- نمایشی دوره‌های بعد، در واکنش به این دو دبستان و شکستن ضوابط آنها به «پیشتازی‌گرایی» موسوم شدند.

۳۰- «طبیعت‌گرایی» و «واقعیت‌گرایی»

در پایان سده نوزدهم، دبستان «ناتورالیسم» (طبیعت‌گرایی = NATURALISM) پدیدار شده و به چالش «انگاره‌گرایی» (رمانتیسم = ROMANTICISM) پرداخته بود. در آن زمان «انگاره‌گرایی» دبستان ادبی-

برای مطالعه بیشتر نظریه‌های «فروید» و انعکاس آن در تئوریهای ادبیات نمایشی به کتاب (نمادگرایی در ادبیات نمایشی، به همین قلم، تهران، انتشارات برگ، ۱۳۶۸ صفحات ۸۵ تا ۱۰۰، مراجعه کنید.) سهم «فروید» و نظریه‌های او، در پیشتازی‌گرایی در هنر نمایش بسیار است، و من در سطور پیش به مفاهیم و اصطلاحات او اشاره کردم.

گرای وپیشتازی گرای بودند. آنها را به این نامها میخواندند... اما در دهه‌های بعد، جنبشها، و جریانهای ادبی - نمایشی متعددی به وجود آمدند، که معیارها



«پاپلویپیکاسو» در سال ۱۹۱۷، یک نمایشنامه «فرا واقعیت گرایانه» (سوررئالیستیک) به نام «پاراد» را طراحی کرده است. این نمایشنامه از آثار «ژان کوکتو» (JEAN COCTEAU 1889-1963) نمایشنامه نویسنده فرانسوی است.

و ضوابط این دو دبستان را نپذیرفتند. بر آنها خرده گرفتند، و از آنها جدا شدند. و بدین ترتیب تجربه گرای، نوآوری گرای و پیشتازی گرای نام گرفتند.

«نمایش گرای»، «داداویسم»، «فوتوریسم»، «سوررئالیسم»، «عبث نمایشی» و «تأخیری» و «گزاره گرای» و «نمایش حماسی»، خود را - هر کدام بر حسب

منابع خارجی:

- ADAMS, HAZARD (EDITOR): CRITICAL THEORY SINCE PLATO. U.S.A., NEW YORK, NEW YORK, HARCOURT BRACE JOVANOVICH, INC., 1971.
- BENEDIKT, M. AND WELLWARTH, G.E. (EDITORS AND TRANSLATORS): MODERN FRENCH THEATER THE AVANT-GARD, DADA, AND SURREALISM (AN ANTHOLOGY OF PLAYS)
- BIGSBY, C.W.E.: DADA AND SURREALISM IN JOHN D. JUMP (GENERAL EDITOR): THE CRITICAL IDIOM 23: DADA AND SURREALISM. U.K. LONDON, METHUEN AND CO. LTD, 1972.
- BROCKETT, OSCAR G., AND FINDLAY, ROBERT R.: CENTURY OF INNOVATION - A HISTORY OF EUROPEAN AND AMERICAN THEATRE AND DRAMA SINCE 1870. U.S.A., NEW JERSEY, ENGLEWOOD CLIFFS, PRENTICE-HALL, INC., 1973.
- EDITED AND TRANSLATED BY MICHAEL BENEDIKT AND GEORGE E. WELLWARTH. U.S.A., NEW YORK, NEW YORK: E.P. DUTTON AND COMPANY, INC., 1966
- BROCKETT, OSCAR G.: HISTORY OF THE THEATER (FOURTH EDITION). U.S.A., MASS., BOSTON: ALLYN AND BACON, INC., 1982.
- CAHALAN, THOMAS, AND DOYLE, PAULA.: MODERN EUROPEAN DRAMA, U.S.A. MASSACHUSETTS, BOSTON, STUDENT OUTLINE COMPANY, 1962.
- CARLSON, MARWIN: THEORIES OF THE THEATRE. A HISTORICAL AND CRITICAL SURVEY, FROM THE GREEKS TO THE PRESENT. U.S.A., NEW YORK, ITHACA, CORNELL UNIVERSITY PRESS, 1964.
- CUDDON, J.A.: A DICTIONARY OF LITERARY TERMS U.K. HARMONDSWORTH: PENGUIN BOOKS, 1979.
- DUKORE, BERNARD F. (EDITOR): DRAMATIC THEORY AND CRITICISM - GREEK TO GROTOVSKI. U.S.A., NEW YORK, NEW YORK, HOLT, RINEHART AND WINSTON, INC., 1974.
- FARNSWORTH, RODNEY: JEAN COCTEAU. IN FRANK N. MAGILL (EDITOR): CRITICAL SURVEY OF DRAMA - FOREIGN LANGUAGE SERIES - VOL. 2. U.S.A., NEW JERSEY, ENGLEWOOD CLIFFS, SALEM PRESS, 1986.

ضوابط و میزان خود - در مقابل «طبیعت گرای» و «واقعیت گرای» قرار دادند، از آن انتقاد کردند، و در برابر آن «ریخت» و «دورنمای» دیگری را مطرح کردند. به همانگونه که «طبیعت گرای» و «واقعیت گرای» مدتی کوتاه پیش، در برابر «انگاره گرای» (رمانتیسم) ROMANTICISM چنین کرده بود. و نیز «انگاره گرای» در برابر «کلاسیسم» (CLASSICISM). «طبیعت گرای» و «واقعیت گرای» نه فقط در ادبیات و هنر نمایش دبستان مهمی تلقی می گردند، بلکه در هنرهای تجسمی نیز: «جرالد کولاند» - (GERALD KURLAND) در این باره می نویسد (صفحه ۱۶۳):

[«ژان فرانسوا میله» و «انرمدیتر» تصویر ساز مشتقاً و محتتهای بزرگان و طبقه کارگران صنعتی شدند.]

«گوستاو کوربه» 1819-1877 نقاش واقعیت گرای فرانسوی در قرن نوزدهم، به نوشته «هلن گاردنر»، «هورست دلاکروا» و «ریچارد ج. تنسی» درباره دیدگاه و نظریه هنری خود چنین گفته است (صفحه ۵۹۰ ترجمه محمد تقی فرامرزی): «هدم» این بوده است که بتوانم رسوم، اندیشهها، و ظواهر را آنچنان که به چشم می بینم، شبیه سازی کنم. به اعتقاد «کوربه»: «هنر نقاشی فقط می تواند شامل شبیه سازی از اشیاء مرئی و ملموس برای شخص نقاش باشد...» نقاش باید، «قوای ذهنی اش را برای شناخت اشیاء و اندیشههای روزگار خویش به کار گیرد....»

من همچنین معتقدم که نقاشی، یک هنر ماهیتاً عینی است و می تواند فقط شامل شبیه سازی از اشیای واقعی و موجود شود... شینی انتزاعی، ناموجود یا نامرئی، به قلمروی نقاشی تعلق ندارد... فرشته را به من نشان دهید تا برایتان تابلویی از بیکرش بکشم... «کوربه» که آشارش از سوی هیئت داوران رد شده بود، نگارخانه مخصوصی در بیرون از نمایشگاه تشکیل داد و آن را غرغه

رئالیسم نامید. بدین ترتیب مشاهده می شود، که به سبب تحولات عمیق و وسیع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، فلسفی، علمی، و... و هنری سده اخیر، تمایل به دگرگونی، از راه نو آوری رشد و گسترش یافته است. جریانها، جنبشهای ادبی - هنری فراوانی پدیدار شدند، که در زمان خود پیشتازی گرای بودند و در این معنا، هر هنرمندی که به نحوی بارز قصد جدا شدن از سنتها و معیارهای رسمی زمان خود را می کرد و «دورنمای» و «ریخته» آثار او، با آنچه در زمان او متداول بوده است، تفاوتهای چشمگیر داشت، او را «آوانگارد» می خواندند (و امروز هم می خوانند). به این اعتبار «هنریک ایبسن» و «برتولت برشت» و «میشل دو کلدرو» و... «آوانگارد» به حساب می آیند. و این یک معنای مهم «آوانگارد» (پیشتازی گرای) است. و اما معنای دوم، اطلاقی است که این اصطلاح بر جریانها و جنبش ادبی - هنری خاصی است، که به نحو مبالغه آمیز و در برخی موارد ویرانگرانه و افراطی، خود را در میان جریانهای هنری متمایز و انگشتنما ساختند. گرچه در بسیاری از موارد، دست آوردهای هر یها و تاثیر گذاری نیز به همراه داشته اند و پیشکش کرده اند.

چهار نمونه، از این جریانهای هنری که در دگرگون کردن «ریخت» و «دورنمای» هنر نمایش، به نحوی چشمگیر، عمیق و وسیع، موثر بوده اند، عبارتند از «کوبیسم»، «فوتوریسم»، «سوررئالیسم» و «ابزوردیسم». باید فوراً اضافه کنم، که این جریانها و جنبشهای ادبی و هنری، از لحاظ صحت، اهمیت و اعتبار به یک میزان نیستند و در عرصه هنر نمایش، تصادوم و استمرار آنها، با هم مساوی نبوده است.

در این مقاله، صرفاً بر اساس فرهنگهای ادبی - نمایشی به تعریف این چند جریان و جنبش ادبی - نمایشی می پردازم، و امیدوارم که در مقاله های آینده، هر کدام از آنها را مفصلاً توضیح دهم.

- 22- THE 1990 ALMANA 43RD EDITION U.S.A., MASS., BOSTON, HOUGHTON MIFFLIN COMPANY, 1990.
23. Novak, Elaine Adams: Styles of Acting - A source book for aspiring actors. U.S.A., New Jersey, Englewood Cliffs, 1985.
24. Parker, W. Oren, and Smith, Harvey K.: Scene Design and Stage Lighting (third edition). U.S.A., New York, New York, Holt, Rinehart and Winston, Inc., 1974.
- 25 Perrine, Laurence: Literature-Structure Sound and Sense. U.S.A., New York, New York: Harcourt Brace, Jovanovich, Inc., Second Edition, 1974.
- 26- Rogers, David: Modern European Drama U.S.A., New York, Thor Publication, Inc., 1965.
- 27, Russell, Douglas A.: Period Style for the Theater U.S.A., Mass., Boston, Allyn and Bacon, Inc., 1980.
- 28- Styran, J.L.: Modern Drama in Theory and Practice. 1. Realism, 2. Symbolism, surrealism and absurd. 3. Expressionism and epic theater. U.S., Cambridge: Cambridge University Press, 1981.
29. Thrall, William Flint, and Hibbard, Adison: A Handbook to Literature (Revised and enlarged by C. Hugh Holman). U.S.A. New York, New York, The Odyssey Press, 1960.
30. Vaughn, Jack A.: Drama A to Z, A Handbook. U.S.A., New York, New York, Frederick Ungar Publishing Co., 1978.
31. Webster's Biographical Dictionary: A Merriam, Webster U.S.A., Massachusetts, Springfield, G. and C. Merriam Company, Publisher, 1980.
32. Wilson, Edwin, Goldfarb, Alvin: Living Theater and Introduction to Theater History. U.S.A., New York, New York, McGraw-Hill Book Company, 1983.
33. Wimsatt, William K., and Brooks, Cleanth: Literary Criticism, A short History. Four Volumes: I Classical Criticism, II Neo Classical Criticism, III Romantic Criticism, IV Modern Criticism. U.K., London: Routledge and Kegan Paul, 1970.
- 12- GARREAU, JOSEPH E: COCTEAU, JEAN, (1889 1963): IN (STANLEY HOCHMAN (EDITOR IN CHIEF): MCGRAW-HILL ENCYCLOPEDIA OF WORLD DRAMA - VOL. I. (SECOND EDITION) (U.S.A., NEW YORK, NEW YORK, 1984.
- 13- GARREAU, JOSEPH E: APOLLINAIRE, GUILLAUME (1888 1918). IN MCGRAW-HILL ENCYCLOPEDIA OF WORLD DRAMA - VOLUME ONE. (STANLEY HOCHMAN - EDITOR IN CHIEF) U.S.A., NEW YORK, NEW YORK, MCGRAW-HILL BOOK COMPANY, 1984.
- 14- GASSNER, JOHN: DIRECTIONS IN MODERN THEATER AND DRAMA. U.S.A. NEW YORK, NEW YORK, HOLT, RINEHART AND WINSTON, INC., 1966.
- 15- GASSNER, JOHN, AND DUKORE, BERNARD F.: A TREASURY OF THE WORLD THEATER. (VOLUME II): FROM HENRIK IBSEN TO ROBERT LOWEL. U.S.A., NEW YORK, NEW YORK: HOLT, RINEHART AND WINSTON, 1970.
- 16- HALTLEN, THEODORE W.: ORIENTATION TO THE THEATER (SECOND EDITION). U.S.A., NEW YORK, NEW YORK, APPLETON CENTURY CROFTS MEREDITH CORPORATION, 1972.
- 17 HAUSER, ARNOLD: THE SOCIAL HISTORY OF ART-VOLUME FOUR -NATURALISM, IMPRESSIONISM, THE FILM AGE, UK: LONDON, ROUTLEDGE AND KEGAN PAUL, 1962.
- 18 HOCHMAN, STANLEY (EDITOR IN CHIEF): MCGRAW-HILL ENCYCLOPEDIA OF WORLD DRAMA - AN INTERNATIONAL REFERENCE WORK IN 5 VOLUME. U.S.A., NEW YORK, NEW YORK, MCGRAW-HILL BOOK COMPANY, 1984.
19. KERNODEL, GEORGE, AND KERNODEL, PORTIA: INVITATION TO THE THEATRE (BRIEF SECOND EDITION). U.S.A., NEW YORK, NEW YORK: HARCOURT BRACE JOVANOVICH, INC., 1978.
- 20 KURLAND, GERALD: WESTERN CIVILIZATION (TWO VOLUMES) U.S.A., NEW YORK, NEW YORK, SIMON AND SCHUSTER PRESS, 1971.
- 21 MAGILL, FRANK N. (EDITOR): CRITICAL SURVEY OF DRAMA FOREIGN LANGUAGE SERIES (6 VOLUMES). U.S.A., NEW JERSEY, ENGLEWOOD CLIFFS, SALEM PRESS, 1986.